بگو ای عباد امروز روز ديگر است لسان ديگر بايد تا قابل ثنای مقصود عالم شود و عمل ديگر بايد تا مقبول درگاه گردد جميع عالم طالب اين يوم بودند که شايد موفّق شوند بآنچه لايق و سزاوار است طوبی از برای نفسی که امورات دنيا او را از مالک الوری منع ننمود غفلت ناس بمقامی رسيده که از خسف مدينه و نسف جبل و شقّ ارض آگاه نشده و نميشوند اشارات و علامات کتب ظاهر و در هر حين صيحه مرتفع معذلک جميع از خمر غفلت مدهوشند الّا من شاء اللّه هر روز ارض در بلای جديدی مشاهده ميشود و آناً فآناً در تزايد است از حين نزول سوره رئيس تا اين يوم نه ارض بسکون فائز است و نه عباد باطمينان مزيّن گاهی مجادله گاهی محاربه گاهی امراض مزمنه مرض عالم بمقامی رسيده که نزديک بيأس است چه که طبيب ممنوع و متطبّب مقبول و مشغول ...

غبار نفاق قلوب را اخذ نموده و ابصار را احاطه کرده سوف يرون ما عملوا فی ايّام اللّه کذلک ينبّئک الخبير من لدن مقتدر قدير ...